

نقش هند در استراتژی احاله مسئولیت آمریکا برای مهار چین

غلامرضا کریمی^۱

شیرین حداد زند^{*۲}

مریم احمدپور^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۲

چکیده

آمریکا با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق به‌عنوان یک قدرت بزرگ، برتری جهانی یافت. اما تحولات عرصه بین‌الملل در دهه‌های اخیر به‌ویژه خیزش قدرت‌های نوظهوری از جمله چین سبب گشت تا آمریکا با چالش‌های جدی در توزیع قدرت خود در نیمکره شرقی مواجه گردد. چین در سال‌های اخیر به بازیگری تأثیرگذار در نظام بین‌الملل مبدل گشته و در پی آن بود تا با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و امنیتی خود را در جهان به‌ویژه حوزه هند-پاسیفیک گسترش دهد. این مسأله برای دولت واشنگتن که دارای منافع راهبردی بسیار در این منطقه بود؛ قابل قبول واقع نشد. از همین رو استراتژی آمریکا در جهت مهار قدرت چین در قالب استراتژی احاله مسئولیت در منطقه هند-پاسیفیک تبلور یافته و کشور هند در میان متحدان آمریکا به سبب موقعیت ویژه در این منطقه توانسته به‌عنوان یکی از مؤلفین اصلی واشنگتن به نقش‌آفرینی بپردازد. مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که چگونه هند در استراتژی احاله مسئولیت آمریکا در منطقه هند-پاسیفیک برای مهار چین نقش‌آفرینی کرده بود؟ در پاسخ به این سؤال که با روش تبیینی و ابزار تحقیق کتابخانه‌ای بررسی شده است؛ فرضیه و یافته‌های پژوهش نشان داده است که آمریکا در ابعاد اقتصادی-تجاری و نظامی-امنیتی از طریق سرمایه‌گذاری، تجارت دوجانبه، ائتلاف‌های دوجانبه و چندجانبه، امضای موافقت‌نامه‌های نظامی-امنیتی و... با کشور هند در صدد ائتلاف‌سازی چندجانبه و پیوند منافع استراتژیک بود که استراتژی احاله مسئولیت آمریکا را جهت مهار چین تقویت کند.

واژگان کلیدی: احاله مسئولیت، چین، هند، اقیانوس هند-آرام، آمریکا

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: sh.haddad75@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

آمریکا با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق به‌عنوان یک قدرت بزرگ، برتری جهانی یافت؛ اما در دهه‌های اخیر با خیزش قدرت‌های نوظهور از جمله چین در عرصه بین‌الملل، در زمینه‌های گوناگون با چالش‌های جدی مواجه شده است. چین در سال‌های اخیر توانسته خود را از سطح یک بازیگر مطرح منطقه‌ای به یک کنشگر تأثیرگذار در نظام بین‌الملل مبدل سازد. از این‌رو وجه تمایز چین از سایر قدرت‌های آسیایی در سیاست خارجی آمریکا در این موضوع نهفته است که چین تنها به دنبال دست‌یابی به رشد اقتصادی نیست بلکه در پی آن است تا با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی، نفوذ سیاسی و امنیتی خود را در آسیا به‌ویژه در حوزه هندو-پاسیفیک گسترش دهد و این مسأله برای واشنگتن که دارای منافع راهبردی گسترده در این منطقه است قابل‌قبول نبوده؛ از همین رو آمریکا با به‌کارگیری استراتژی‌های متنوعی در منطقه آسیا در تلاش است تا قدرت روزافزون پکن را مهار کند.

آمریکا به دنبال تحدید قدرت چین، در تلاش جهت تقویت همکاری و ایجاد اتحاد میان همسایگان و رقبای این کشور در حوزه هندو-پاسیفیک می‌باشد. در واقع، وضعیت امنیتی جدید در آسیا به‌ویژه ظهور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ در سیستم منطقه‌ای و افزایش جایگاه قدرت هند در پویایی‌های امنیتی منطقه‌ای از جمله منطقه اقیانوس هند، سیاست دهلی‌نو را بسیار به واشنگتن نزدیک ساخته است. هند به‌عنوان یکی از رقبای اصلی چین در آسیا، با داشتن مؤلفه‌های قدرت از جمله حضور در جمع پنج قدرت برتر اقتصادی دنیا، وسعت سرزمینی و جمعیت بالا، نیروی کار ارزان، دارا بودن اقتصاد متنوع و همچنین وجود مرزهای مشترک با چین می‌تواند در استراتژی احاله مسئولیت آمریکا در قبال چین به‌عنوان یکی از مؤلفین اصلی واشنگتن در حوزه آسیا به نقش‌آفرینی بپردازد. بنابراین، در طی سال‌های اخیر دهلی‌نو-واشنگتن همکاری‌های راهبردی باهدف برقراری صلح و ثبات در آسیا، به‌ویژه در حوزه دریایی انجام داده‌اند. به‌منظور ایضاح بیشتر مسأله، باید توجه داشت که قدرت‌های بزرگ در تقابل با یکدیگر از کشورهای ثالث در جهت موازنه سازی با رقیب خود بهره می‌برند؛ بنابراین، شکل‌گیری مثلث‌های استراتژیک موضوعی مهم و درعین‌حال مغفول مانده در تحلیل روابط میان کشورها



است. در همین راستا می‌توان بیان کرد که دهلی‌نو کشور ثالثی است که در راستای استراتژی احاطه مسئولیت واشنگتن در برابر پکن در آسیا، این مثلث استراتژیک را در منطقه شکل داده است. مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چگونه هند در استراتژی چرخش به آسیای آمریکا در منطقه هندو-پاسیفیک برای مهار چین نقش‌آفرینی می‌کند؟ پاسخ این فرضیه با روش تبیینی-تکوینی بررسی می‌شود که آمریکا در ابعاد اقتصادی-تجاری و نظامی-امنیتی از طریق سرمایه‌گذاری، تجارت دوجانبه، ائتلاف‌های دوجانبه و چندجانبه، امضای موافقت‌نامه‌های نظامی-امنیتی و... با کشور هند در صدد ائتلاف‌سازی چندجانبه و پیوند منافع استراتژیک است که استراتژی چرخش به آسیای آمریکا را در جهت مهار چین تقویت کند. هدف مقاله حاضر شناخت سیاست‌های آمریکا و فهم عمیق از ادراک سیاست‌گذاران این کشور است. توجه به اولویت پیدا کردن حوزه شرق آسیا در سیاست‌گذاری‌های کاخ سفید به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از مفهوم تهدید برای این کشور و به تبع آن تعمیق بیشتری در سیاست خارجی دولت واشنگتن داشته باشیم. از سوی دیگر مقاله مذکور ائتلاف‌ها، پیمان‌های نظامی و گروه‌بندی‌های شکل گرفته در این حوزه را معاشناسی می‌کند که به نوبه خود برای سایر کشورها از جمله ایران که با کشورهای این منطقه همکاری بالایی دارند؛ حائز اهمیت است و استراتژی متناسب سیاست‌مداران می‌تواند در پی‌گیری سیاست‌ها و استفاده از گروه‌بندی‌ها کمک‌کننده باشد.

۱. ادبیات پژوهش

در خصوص این پژوهش، منابع متعددی وجود دارد؛ نخستین منبعی که می‌توان در این زمینه بررسی کرد، مقاله‌ای با عنوان «موازنه قوا: مثلث چین، هند و ایالات متحده آمریکا» (مالک، ۲۰۱۶) است. در این مقاله، نویسنده به این مسأله می‌پردازد که روابط سه‌گانه چین، هند و آمریکا، مثلثی استراتژیک غیرقابل‌انکار در منطقه هندو-پاسیفیک است. وی در ادامه به رقابت هند و چین در منطقه تأکید و به نقش آمریکا در رقابت این دو کشور و امنیت منطقه هندو-پاسیفیک می‌پردازد و بدین نکته اشاره دارد که کشور هند به ائتلاف امنیتی کوآد با هدف افزایش امنیت منطقه ملحق نمی‌شود. در نهایت نویسنده معتقد است

¹ Balancing act: The China-India-U.S. Triangle

² Malik

که رابطه مثلی چین، هند و آمریکا یک مکعب روییک استراتژیک است؛ بدین معنا که هر سه کشور به یکدیگر نیاز دارند و وی بیان می‌کند که دولت واشنگتن از ظهور چندین قدرت حمایت و در این میان هند را به‌عنوان متعادل‌کننده قدرت فراساحلی شناسایی می‌کند؛ اما به فرایند و جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا در منطقه هندو-پاسفیک نمی‌پردازد.

مقاله بعدی که در این زمینه به بررسی آن پرداخته می‌شود؛ مقاله‌ای با عنوان «محور ایالات متحده به سمت آسیا و اقیانوسیه: منطق، اهداف و پیامدهای روابط با چین^۱» (مونیکا اوهرلر و سینکای^۲، ۲۰۱۶) است. نویسنده در مقاله فوق به بازتعریف محور آمریکا به سمت آسیا-اقیانوسیه پرداخته و با تمرکز بر بهره‌برداری از پتانسیل اقتصادی منطقه به توازن سازی اتحادهای منطقه‌ای؛ بازتعریف هنجارها و قوانین، نفوذ رو به گسترش چین در سطوح منطقه‌ای و جهانی با ابزارهای مختلف پرداخته است. در نهایت بدین نکته اشاره دارد که استراتژی جدید تعادل مجدد به سمت آسیا و اقیانوسیه دو هدف متناقض سیاست خارجی آمریکا را منعکس می‌کند که عبارت‌اند از رابطه سازنده با چین و تقویت اتحادها به ضرر چین برای مقابله با افزایش آن از سوی دیگر، همچنین وی معتقد است که با در نظر گرفتن روابط شبکه‌ای در فضای هند-آسیا-اقیانوس آرام که پیچیده و چندلایه است، اهمیت وافری در تحلیل پیکربندی مجدد توازن منطقه‌ای نیروها امری ضروری است؛ اما در مقاله فوق به واکنش چین در قبال استراتژی دوگانه آمریکا در منطقه هندو-پاسفیک پرداخته نمی‌شود. مقاله دیگری نیز با عنوان «هند و ایالات متحده: خطوط یک مشارکت آسیایی^۳» (لادویگ^۴ و موکرجی^۵، ۲۰۱۹) است. در این مقاله، نویسندگان به چالش چین به‌عنوان مهم‌ترین عامل همگرایی هند و آمریکا اشاره می‌کنند. این مقاله همچنین این موضوع را بیان می‌کند که هند و آمریکا به‌طور فزاینده‌ای اهداف مشابهی در آسیا دارند از همین رو، نیاز فوری به توسعه زیرساخت‌ها و تقویت همکاری خود در آسیا دارند. اما پژوهش مذکور جایگاه هند در سیاست مهار

¹ United States' "Pivot " Towards Asia-Pacific: Rationale, Goals and Implications for The Relationship with China

² Monica Oehler-Sincai

³ India and the United States: The Contours of an Asian Partnership

⁴ Ladwig

⁵ Mukherjee

چین و آمریکا مورد بررسی قرار نمی‌دهد و تنها به ارائه راهکارهایی برای ارتقا همکاری میان دهلی‌نو و واشنگتن در آسیا اکتفا می‌کند.

یکی دیگر از منابع قابل ذکر دیگر، مقاله‌ای با عنوان «استراتژی امنیتی آمریکا برای آسیا اقیانوسیه و نقش هند»^۱ (حنیف^۲ و محمدخان^۳، ۲۰۱۸) است. در این مقاله نویسندگان به اهمیت هند در سیاست خارجی آمریکا در جهت مهار چین می‌پردازند. نویسندگان در این مقاله کشور هند را به‌عنوان وزنه تعادل منطقه‌ای آمریکا در برابر نفوذ فزاینده چین ارزیابی و بدین نکته اشاره دارند که از زمان ریاست جمهوری اوباما^۴ و ترامپ^۵، جایگاه هند در استراتژی موازنه مجدد واشنگتن در شرق آسیا اهمیت فزاینده‌ای یافته است اما به اینکه هند چگونه این نقش‌آفرینی را در منطقه ایفا می‌کند، نمی‌پردازد.

در نهایت می‌توان بیان کرد که در هیچ‌یک از آثار، به تبیین و بررسی مثلث چین، هند و آمریکا در منطقه هندو-پاسفیک در غالب استراتژی احاله مسئولیت جان مرشایمر^۶ پرداخته نشده است. همچنین بدین نکته باید اشاره داشت که در آثاری که در پیشینه پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند هیچ‌یک به واکنش دولت پکن در قبال افزایش نفوذ آمریکا نپرداخته و به‌عنوان خلأی اساسی در این فرایند تبیین این مسأله قابل بررسی و ارزیابی است. همچنین، دولت پکن با تلاش در جهت تغییر نظم بین‌الملل لیبرال تسلط یافته در عرصه بین‌الملل به‌ویژه منطقه هندو-پاسفیک است که این امر دولت واشنگتن را با هراسی جدی مواجه ساخته است. از این‌رو در این مقاله به تبیین و تحلیل سیاست‌های نوین آمریکا در منطقه هندو-پاسفیک در جهت مقابله با سیاست‌های دولت پکن در قالب استراتژی احاله مسئولیت با تأکید بر نقش هند پرداخته می‌شود.

۲. استراتژی احاله مسئولیت

جان مرشایمر از جمله نظریه‌پردازان واقع‌گرا است که تلاش کرده با بهره‌گیری از اصول واقع‌گرایی ساختاری والتز^۷، تقریر جدیدی از تحولات روابط بین‌الملل ارائه دهد.

¹ US Security Strategy for Asia Pacific and India's Role

² Hanif

³ Muhammad Khan

⁴ Barack Obama

⁵ Donald Trump

⁶ John Joseph Mearsheimer

⁷ Kenneth Waltz



از این رو، «واقع‌گرایی تهاجمی»^۱ محصول چنین تلاش نظری قلمداد می‌شود. نظریه اصلی مرشایمر در مقابل کنت والتز^۲ با این ادعا شروع می‌شود که قدرت‌های بزرگ در پی آن هستند که قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. وی بر این اعتقاد است که در واقع زمانی که همه دولت‌ها توانایی آسیب رساندن به یکدیگر را داشته باشند، هر یک از آن‌ها تا جایی که می‌توانند قدرت کسب می‌کنند تا در برابر حمله تا حد امکان ایمن باشند.

واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که قدرت‌های طرفدار وضع موجود به‌ندرت در سیاست جهانی یافت می‌شوند، زیرا نظام بین‌الملل انگیزه‌های بسیاری را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا به دنبال فرصت‌هایی برای کسب قدرت بیشتر و استفاده از موقعیت‌ها باشند. از همین روی، هدف نهایی یک دولت در جهت کسب قدرت هژمون در سیستم بین‌الملل است (Mearsheimer, 2001:21). بنابراین، قدرت‌ها تا جایی که بتوانند برای غلبه و استیلای بر دیگران اقدام خواهند کرد و همواره در یک وضعیت تهاجم بالقوه قرار دارند. بدین منظور در وهله نخست در پی دست یافتن به هژمونی منطقه‌ای و در گام دوم در صورت قدرت‌یابی گسترده درصدد دستیابی به قدرت هژمون در عرصه جهانی هستند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۵) از سوی دیگر به موازات تلاش قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به هژمونی، آن‌ها تلاش می‌کنند تا از رسیدن سایر دولت‌ها به قدرت فزاینده جلوگیری کنند. مرشایمر با بهره‌گیری از رویدادهای تاریخی و بررسی سیستم‌های مختلف قدرت در عرصه بین‌الملل از جمله دوقطبی، چندقطبی نامتعادل و چندقطبی متعادل، دو راه را برای کنترل مهاجمان و رقبا پیشنهاد می‌کند که عبارت‌اند از: موازنه سازی و احاله مسئولیت. در موازنه سازی قدرت بزرگ به‌صورت مستقیم وارد می‌شود و متهاجم را کنترل می‌کند اما در احاله مسئولیت، به‌صورت غیرمستقیم و از طریق قدرت دیگر کشورها به‌ویژه قدرت‌های منطقه‌ای این کار را انجام می‌دهد؛ اما نکته مهم در این امر نهفته است که انتخاب استراتژی موازنه یا احاله مسئولیت دولت‌های تهدید شده عمدتاً تابعی از ساختار نظام بین‌الملل است. هم والتز و هم مرشایمر معتقدند که در سیستم دوقطبی استراتژی احاله مسئولیت امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در این سیستم کشورهای ابرقدرت بر این امر واقف هستند که تقسیم قدرت به‌گونه‌ای است که تنها دو ابرقدرت

¹ Offensive realism

² Kenneth Neal Waltz

توانایی مقاومت در برابر تجاوزات دیگری را دارند؛ این در حالی است که متحدان کوچک‌تر در سیستم دوقطبی توانایی مقابله با ابرقدرت را دارا نیستند (Christensen and Snyder, 2009: 141-143) در نقطه مقابل، در یک سیستم چندقطبی متعادل؛ هیچ هژمون بالقوه‌ای برای مقابله با تهاجم وجود ندارد و حتی در نظام چندقطبی نامتعادل که دولت قدرتمند ویژه‌ای حضور دارد استراتژی احاله مسئولیت توسط قدرت‌های بزرگ به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، شرط استفاده از استراتژی احاله مسئولیت این است که شدت تهدیدات بالا نباشد و همچنین مرز مشترکی با دولت متهاجم وجود نداشته باشد (Mearsheimer, 2001:268-269). در واقع زمانی که دو متغیر جغرافیا و شدت تهدیدات کم‌رنگ باشد، دولت‌های مورد تهدید احساس آسیب‌پذیری کمتری در برابر تجاوز دارند و در نتیجه مایل‌اند که مسئولیت مقابله با تهاجم را به یک دولت تهدید شده دیگر که با دولت تهدیدکننده هم‌مرز است واگذار کنند.

در تبسیط بیشتر مسأله احاله مسئولیت می‌توان بیان کرد که دولت‌های واقع‌گرای تهاجمی مرشایمر همیشه در حالت تهاجمی قرار ندارند بلکه گهگاهی با رقیبی مواجه می‌شوند که ترجیحشان بر آن است که پیشینه‌سازی قدرت خود را به صورت غیرمستقیم اعمال کنند. از این رو، از دیدگاه مرشایمر دلایلی که احاله مسئولیت بر سایر استراتژی‌ها ترجیح داده می‌شود، شامل سه مورد است. نخست، آنکه این روش کم‌هزینه و ارزان است. هزینه‌احاله مسئولیت بر عهده متحدان است و خود احاله دهنده به نوعی «سواری رایگان» می‌گیرد. دوم، اینکه اگر رقابت طولانی مدت شود دولت رقیب و دولت پذیرنده مسئولیت، دچار فرسایش نسبی می‌شوند و دولت واگذارکننده احاله مسئولیت قدرتی بیش از قدرت دو دولت مذکور می‌گیرد. سوم، اگر دولتی با چندین دشمن مواجه شود؛ می‌تواند استراتژی احاله مسئولیت را به صورت پی‌درپی در پیش گیرد (Snyder, 2002: 161-162).

در نهایت می‌توان بیان داشت که به‌طور کلی نظریه رئالیسم تهاجمی دو سیستم چندقطبی با ساختار متفاوت (متعادل و نامتعادل) را مطرح می‌کند. در واقع در حال حاضر ما از یک جهان چندقطبی نامتعادل با مرکزیت آمریکا به سوی یک جهان چندقطبی متعادل با

¹ Free ride



کاهش نسبی قدرت مادی واشنگتن و همچنین ظهور مراکز قدرت جایگزین گام برداشته‌ایم که نشان از پویایی ماهیت فرآیند توزیع قدرت نسبی در سراسر سیستم بین‌الملل دارد. بدین ترتیب، با پایان جنگ سرد و گسترش نظام اقتصادی غرب، کشورهای بیشتری توانستند اقتصادهای خود را در بازارهای جهانی ادغام و از مزیت‌های نسبی برای رشد اقتصادی بهره‌برداری کنند (Kearm, 2014: 132). از همین رو با در نظر گرفتن سیستم توزیع قدرت فعلی (نظام چندقطبی نامتعادل)، ظهور قدرت‌های بزرگ از جمله چین در برابر آمریکا، نبود مرزهای مشترک میان دو کشور، بالا نبودن شدت تهدیدات از سوی پکن سبب گشته تا آمریکا استراتژی احاله مسئولیت را در برابر چین در بسیاری از مناطق جهان به‌ویژه در حوزه هندو-پاسیفیک در پیش گیرد که در ادامه به تبیین و بررسی استراتژی مذکور در این منطقه پرداخته می‌شود.

۳. استراتژی فراساحلی آمریکا در هندو-پاسیفیک

منطقه هندو-پاسیفیک با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد از جمله دسترسی به مهم‌ترین خطوط دریایی، جمعیت کثیر و تجربه رشد بی‌سابقه اقتصادی در دهه‌های اخیر سبب گشته تا از نظر ابعاد متعدد امنیتی، اقتصادی، ژئوپلیتیک و... مورد توجه کشورها به‌ویژه ابرقدرت‌ها قرار گیرد.

منطقه هندو-پاسیفیک از منظر اقتصادی، مرکز تجارت و بازرگانی جهان محسوب می‌شود؛ به گونه‌هایی که ۶۳٪ از تولید ناخالص داخلی جهان و ۴۶٪ از کل تجارت جهان را از آن خود کرده و همچنین بر ۵۰٪ تجارت دریایی جهان نیز تسلط دارد (Ghosh, 2022: 3). علاوه بر آن موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد هندو-پاسیفیک سبب افزایش اهمیت ابعاد نظامی این منطقه در کنار دسترسی تجاری و اقتصادی شده است. بدین ترتیب، منطقه اقیانوس هندو-پاسیفیک به میدانی بی‌بدیل از رقابت قدرت‌های بزرگ مبدل گشته است.

پس از پایان جنگ جهانی دوم آمریکا جایگاه قدرت هژمونی را در عرصه بین‌الملل کسب و به قدرتی بی‌بدیل در عرصه جهانی مبدل گشت؛ اما امروزه، چین در حال تبدیل شدن به یک هژمون قدرتمند منطقه‌ای است که نه تنها معادلات استراتژیک را دستخوش تغییر و تحول کرده است؛ بلکه آمریکا را نیز با شرایط و مقتضیات جدیدی

روبه‌رو ساخته به‌گونه‌ای که از دو دهه قبل چین به رقیب آمریکا در منطقه هندو-پاسفیک تبدیل شده است. بنابراین؛ آمریکا با به‌کارگیری استراتژی‌های متنوعی در قالب ایجاد ائتلاف‌های نظامی، افزایش مبادلات اقتصادی، معاملات تجاری و... درصدد حفظ جایگاه و موقعیت خود در منطقه هندو-پاسفیک برآمده است. نمودار فوق سیر صعودی قدرت اقتصادی چین را به‌وضوح نشان می‌دهد.

اقتصاد دولت پکن، سریع‌ترین رشد اقتصادی قرن بیست و یکم را از آن خود کرده و اکنون به جایگاه دوم در اقتصاد بزرگ جهان با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار دست‌یافته است (Macrotrends, 2022). از سوی، دولت پکن با دستیابی به رشد اقتصادی، گام بعدی خود را در جهت افزایش قدرت به‌ویژه در حوزه نظامی و افزایش نفوذ خود در مناطق مختلف جهان برداشته است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۱ چیزی بالغ بر ۲۹۳ میلیارد دلار در صنعت نظامی خود سرمایه‌گذاری کرده (Statista (a), 2021) و در حال حاضر چین یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های دنیا را دارد. در حقیقت هدف ابتدایی استراتژی دولت پکن در قالب بهره‌گیری از قدرت اقتصادی و نظامی دستیابی به هژمونی منطقه‌ای و در گام بعدی دستیابی به قدرت هژمون در عرصه بین‌الملل است.

بنابراین به‌کارگیری استراتژی دولت پکن در جهت افزایش نفوذ و جایگاه بین‌المللی برای دولت واشنگتن امری پذیرفتنی نیست. درواقع دولت واشنگتن دولت پکن را به‌عنوان قدرتی ضد سیستمی شناخته است که خواهان تغییر وضع موجود در جهت کسب منافع ملی می‌باشد؛ درحالی‌که آمریکا درصدد حفظ وضع موجود است. در این راستا، سیاست آمریکا در قبال اقیانوس هندو-پاسفیک در جهت مهار چین بر سه راهبرد متفاوت متمرکز شده است: تعامل عمیق با چین، دفاع فعال و ایجاد تعادل در فراساحل (Paul, 2019: 224) از همین رو دولت واشنگتن آگاه است که برای پیاده‌سازی سیاست‌های خود در جهت حفظ وضع موجود در عرصه جهانی برای مهار دولت پکن و تثبیت برتری خود بایستی اقدامات خود را از حوزه منطقه هندو-پاسفیک آغاز کند. بنابراین، همین امر سبب رقابت گسترده در زمینه‌های امنیتی-نظامی، اقتصادی-تجاری و سیاسی-دیپلماسی میان این دو ابرقدرت در این منطقه شده است.

آمریکا ابتکارات متعددی را در سطح استراتژیک برای رسیدگی به نگرانی‌های فزاینده امنیتی انجام داده که از جمله استراتژی‌های آمریکا در جهت تحدید قدرت چین می‌توان در قالب تقویت همکاری و ایجاد اتحاد میان همسایگان و رقبای این کشور در حوزه هندو-پاسفیک اشاره کرد. بنابراین، همان‌گونه که واقع‌گرایی تهاجمی نشان می‌دهد باید در سطح محلی به‌طور مؤثر با چین مقابله کرد؛ زیرا در غیر این صورت آمریکا باید به‌صورت مستقیم وارد عمل و در برابر قدرت در حال ظهور تعادل ایجاد کند. از همین رو، بهترین راه برای آمریکا در جهت بازدارندگی رقبای خطرناک در سایر مناطق از تعقیب هژمونی منطقه‌ای، تکیه بر متحدان است. در همین راستا آمریکا پنج هدف را در اقیانوس هند و اقیانوس آرام دنبال می‌کند:

- ۱- پیشروی در منطقه اقیانوس هند و اقیانوسیه
- ۲- ایجاد اتصالات در داخل و خارج از منطقه
- ۳- افزایش رونق اقتصادی و تجاری منطقه
- ۴- تقویت امنیت حوزه اقیانوس هند و اقیانوسیه
- ۵- ایجاد انعطاف‌پذیری منطقه‌ای در برابر تهدیدات فراملی (The White House, 2022: 7).

این اهداف به‌خوبی بیانگر این موضوع هستند که آمریکا در پی ایجاد ابتکاراتی برای افزایش همکاری خود از طریق به‌کارگیری سیاست توسعه‌بخشی است تا کشورهای حوزه هندو-پاسفیک احساس نیاز کمتری در جهت وابستگی به چین داشته باشند. در همین راستا، بیانیه استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا^۱ در سال ۲۰۰۶ با بیان این موضوع که آمریکا منافع گسترده‌ای در سراسر آسیای شرقی و جنوب شرقی دارد؛ بدین نکته اشاره کرد که دولت واشنگتن نیازمند به‌کارگیری ابزارهای متنوع در مشارکت پایدار و حفظ مشارکت‌های قوی با کشورهای این منطقه است (Vaughn, 2007: 7).

نکته حائز اهمیت در بیانیه‌های مذکور تأکید بر هند به‌عنوان کلیدی‌ترین کشور منطقه برای امنیت و رهبری منطقه است. از این‌رو، در یکی از این بیانیه‌های آمریکا بر این امر تأکید شد که: «آمریکا از رشد و رهبری منطقه‌ای هند حمایت می‌کند و به ایجاد یک

¹ National Security Strategy

مشارکت استراتژیک که در آن آمریکا و هند با یکدیگر و از طریق گروه‌های منطقه‌ای برای ارتقای ثبات در جنوب آسیا همکاری می‌کنند، ادامه خواهد داد. دولت واشنگتن می‌داند که هند شریک و رهبری همفکر در جنوب آسیا و اقیانوس هند و متصل به آسیای جنوب شرقی است و همچنین نیروی محرکه ائتلاف کوآد و دیگر مجامع منطقه‌ای در جهت رشد و توسعه منطقه محسوب می‌شود. (The White House, 2022: 16) بنابراین، تأکید بر هند به دلیل داشتن مؤلفه‌های برتر قدرت و از سویی رقابت دهلی‌نو با پکن به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی در جهت تبدیل هند به مهره‌ای اساسی برای مقابله و مهار چین در منطقه هند و-پاسیفیک قلمداد می‌شود. دولت واشنگتن در هزاره جدید میلادی تلاش کرده تا احاطه مسئولیت را به هند بدهد که این موضوع در دهه اخیر اوج گرفته است.

۴. پیشینه نقش آفرینی هند در استراتژی آمریکا

روابط دو کشور هند و آمریکا از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است که نقطه عطف آن در زمان بوش پسر کلید خورد. دولت جورج دبلیو بوش^۱ اهمیت فزاینده آسیا را درک کرد و از نزدیک با جمهوری خلق چین، ژاپن و هند تعامل استراتژیک برقرار ساخت (The White House, 2022: 4). این رهنمود به صراحت نشان می‌دهد که آمریکا، هند را به‌عنوان سنگ بنای سیاست خود در ایجاد تعادل استراتژیک آسیا می‌بیند (Department of defense United States of America, 2012).

نقطه اوج استراتژی فراساحلی آمریکا در قالب اجرای سیاست احاطه مسئولیت را می‌توان در دولت اوباما به‌وضوح مشاهده کرد. اوباما با توجه به چالش پیش رو در آسیا از سوی چین، در پاییز ۲۰۱۱ و اوایل سال ۲۰۱۲، اعلام کرد که نقش آمریکا در منطقه آسیا-اقیانوسیه را تشدید خواهد کرد و این برنامه در قالب ایجاد یک رابطه دوجانبه قوی با هند و اعلام «حرکت آمریکا به آسیا» آغاز شد (Manyin, et al. 2012: 1) دولت اوباما به‌وضوح تمایل خود را برای حمایت از هند به‌عنوان یک وزنه تعادل منطقه‌ای در برابر چین در آسیا ابراز کرده است (The Economic Times, 2012) در حقیقت با توجه به

^۱ George W. Bush

اهمیت هند در محاسبات آمریکا در جهت ایجاد نظم امنیتی در آسیا و از سوی استقبال هند از برنامه‌های رقابتی آمریکا در برابر چین، دولت دهلی‌نو درصدد اتخاذ سیاست تعامل و همکاری با آمریکا برآمد.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ^۱ در سال ۲۰۱۶؛ وی رویکرد یک‌جانبه‌گرایی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد؛ زیرا معتقد بود که سیاست چندجانبه‌گرایانه آمریکا در سال‌های گذشته باعث قوی‌تر شدن رقبا به‌ویژه چین شده است. همین امر موجب گشت تا سیاست‌های ترامپ در قبال چین نسبت به دولت اوباما و بوش، نمود تهاجمی‌تری به خود بگیرد و اهتمام بیشتری به حوزه هندو-پاسیفیک داشته باشد. اولین و مهم‌ترین سیاست ترامپ خروج از معاهده مشارکت ترانس پاسیفیک بود (Solis, 2017).

در همین راستا، ازجمله اتحادهای دوجانبه‌ای که ترامپ در منطقه پیش گرفت، اتحاد با هند بود. در حال حاضر نیز دولت بایدن سیاست‌های اتخاذشده پیشین را دنبال می‌کند و گام‌های مؤثری برای بازگرداندن رهبری آمریکا در هند و اقیانوس آرام و تطبیق نقش آن با قرن بیست و یکم برداشته است. تعمیق همکاری و افزایش قابلیت همکاری با متحدان و شرکا ازجمله دکترین تعریف‌شده بایدن در حوزه هندو-پاسیفیک است (The White House, 2022: 5).

در حقیقت، مفهوم حوزه هندو-پاسیفیک برای کاخ سفید در طی چندین دولت متوالی از زمان بوش پسر، بر مبنای نیاز به پاسخ قوی‌تر به رفتار بی‌ثبات‌کننده پکن که هم منافع آمریکا و هم حاکمیت شرکای هند-اقیانوس آرام را تضعیف می‌کند؛ شکل گرفته است. سیاست آمریکا علی‌رغم شدت و ضعف پیگیری استراتژی‌ها در دول متفاوت، بر مبنای احاله مسئولیت بر متحدان منطقه تعریف‌شده است. کشور هند به سبب رقابت با کشور چین در منطقه و از سوی دارا بودن مؤلفه‌های اصلی قدرت؛ جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کاخ سفید در پیگیری سیاست‌های واشنگتن در این منطقه به همراه داشته که در ادامه در دو بعد اقتصادی و بعد نظامی به تبیین و بررسی استراتژی احاله مسئولیت آمریکا پرداخته می‌شود.

^۱ Donald Trump

۵. تأثیر ظهور چین بر آمریکا و هند؛ عوامل شکل دهنده شبه اتحاد آمریکا و هند با پایان جنگ سرد، مفهوم سنتی حاکمیت ملی با چالش‌های جدی مواجه گشته است و از جمله چالش‌های پیشرو در عرصه بین‌الملل مخالفت دولت پکن با رویه‌ای است که در غالب نظم بین‌الملل لیبرال توسط غرب به شدت ترویج یافته است (Sin Por, 2020). دولت پکن اگرچه در نظام بین‌الملل لیبرال به فعالیت پرداخته و به عنوان بازیگری تأثیرگذار به نقش‌آفرینی می‌پردازد اما این استراتژی به معنای پذیرش این نظم نیست بلکه شی جین‌پینگ^۱ در تلاش است تا نظمی بین‌المللی را ایجاد کند که برای منافع پکن مطلوب‌تر و در جهت نیل به اهداف و مقاصد این کشور باشد. با وجود آنکه چین رشد اقتصادی بی‌سابقه‌ای را در نظم بین‌الملل موجود تجربه کرده؛ اما مبدل به یک لیبرال دموکراسی یا یک مشارکت‌کننده مسئول نشده است؛ بلکه در نقطه مقابل، رهبران چین ارزش‌های لیبرال را تهدیدی برای ثبات کشورشان قلمداد می‌کنند. بنابراین، دولت پکن تنها درصدد آن نیست که در نظمی به فعالیت بپردازد که در ایجاد و تداوم آن حرفی برای گفتن نداشته باشد؛ بلکه درصدد آن است تا نظمی نوین هم‌راستا با اهداف و ارزش‌های خود را شکل دهد که تبلور آن را می‌توان در نظم بین‌المللی تیان شیائ^۲ مشاهده کرد که توسط فیلسوفان چینی به عنوان چارچوبی جایگزین برای نظریه‌های غرب‌گرا پیشنهاد شده است. با این حال، بین دکترین‌ها و اقدامات اعلام‌شده دولت پکن ناسازگاری و تناقضات گسترده‌ای وجود دارد؛ تضادهایی بین تمایل چین برای یک خیزش مسالمت‌آمیز و اهدافی که باید از طریق قدرت سخت دنبال شود (دولت پکن خواهان برتری منطقه‌ای است و این امر منجر به افزایش تنش‌ها در مناقشات منطقه‌ای می‌شود) و درعین حال خواستار یک محیط صلح‌آمیز است. همچنین دولت پکن بر اساس نظم نوینی که به دنبال دستیابی به آن می‌باشد به دنبال یک محیط بین‌المللی و اقتصادی باثبات است درحالی‌که با به‌کارگیری راهبردهای متنوع به دنبال تضعیف آمریکا در جهت نیل به اهداف خود است (Bolt, 2015: 8).

وجود نظم نوین چین و تناقضات موجود در نظم چین؛ آمریکا را با چالش و دوگانگی جدی مواجه ساخته است. موقعیتی که نه تنها نظم بین‌الملل را با چالش روبه‌رو می‌سازد

^۱ Xi Jinping

^۲ Tianxia



بلکه سلطه چین در آسیا نیز موقعیت آمریکا را با تنزل مواجه می‌سازد. از جمله اقدامات دولت پکن می‌توان به عملکرد رهبر چین مبنی بر نارضایتی از ساختار فعلی که تحت سلطه سیستم آمریکا در آسیا و منطقه هندو-پاسفیک مشاهده کرد. رهبر چین، شی در سخنرانی خود در اکتبر ۲۰۲۱ به این نکته اشاره کرد که «وظیفه تاریخی اتحاد مجدد کامل سرزمین مادری باید انجام شود و قطعاً محقق خواهد شد» و بیان داشت که «مسیرشی به سوی جهانی منظم شده بر مبنای ترسیم مجدد نقشه چین آغاز می‌شود.» (Nikkei Asia, 2021) که در حقیقت انعکاسی از نظم بین‌الملل چین محور است. نخبگان چینی معتقد هستند که نظم مبتنی بر قوانین فعلی منعکس‌کننده صدای چین یا جهان در حال توسعه نیست و تنها به نفع تعداد کمی از دموکراسی‌های لیبرال و قدرت‌های غربی ایجاد و تداوم یافته است.

بنابراین، چین به دنبال تغییر نظم آمریکا محور موجود است و در همین راستا دولت پکن اهداف تجدیدنظر طلبانه گسترده‌ای را در منطقه هند و پاسفیک دنبال کرده است که نمود آن را می‌توان در حل و فصل اختلافات مرزی خود با هند بر اساس شرایط مطلوب پکن، رزمایش‌های نظامی در دریای جنوبی چین و تلاش برای تسلط بر کشورهای آسیای جنوب شرقی و گسترش حوزه منافع خود در آفریقا و خاورمیانه مشاهده کرد در این بین توجه به این نکته حائز اهمیت است که چین تنها به دنبال تصاحب حوزه‌های اقتصادی در مناطق مذکور نیست بلکه به دنبال گسترش حوزه فرهنگی و نظامی خود و اشاعه نظم نوین چینی بر مبنای قدرت نرم است. از این رو به کارگیری راهبردهای نوین از سوی چین، آمریکا را با موقعیت جدیدی در عرصه بین‌الملل و منطقه‌ای روبه‌رو ساخته است؛ به گونه‌ای که خلأها و چالش‌هایی به سبب نظم بین‌المللی تیان شیا ظهور و بروز یافته که منجر به راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی توسط دولت واشنگتن گشته است.

پیگیری سیاست‌های تجدیدنظر طلبانه از جانب پکن همسایگان این کشور در منطقه را نیز با نگرانی‌هایی روبه‌رو کرده است. هند از جمله کشورهای منطقه است که با توجه به داشتن مرزهای مشترک با چین و تعریف منافع خود در برخی حوزه‌های تحت نفوذ پکن در منطقه با این کشور دچار چالش‌های جدی شده است. از سوی دیگر هند نیز با

رساندن خود به جمع ده قدرت برتر اقتصادی به دنبال افزایش فزاینده قدرت همه‌جانبه خود است و همین امر رقابت دهلی‌نو و پکن را بیش از پیش افزایش داده است. با توجه به حضور رو به رشد چین در جنوب آسیا و منطقه اقیانوس هند به دنبال اعلام نظم بین‌الملل چینی از سوی نخبگان پکن، دهلی‌نو چین را در حال شکل دادن به محیط استراتژیک و تشکیل اتحادهایی که می‌تواند علیه هند مورد استفاده قرار گیرد؛ تصور می‌کند. افزایش قدرت دریایی چین در اقیانوس هند به منبع اصلی نگرانی بلندمدت هند تبدیل شده است و اکنون یک محرک مهم در روابط امنیتی رو به رشد هند و آمریکا و همچنین استرالیا است. از همین رو همکاری با واشنگتن و کانبرا برای برقراری موازنه در جهت به تأخیر انداختن رشد چین در اقیانوس هند از جانب هر سه کشور دنبال می‌شود. (Brewster, 2018: 3).

از سوی دیگر نگرانی‌های راهبردی آمریکا که دولت واشنگتن را به ایجاد یک مشارکت استراتژیک با هند واداشت را می‌توان در استراتژی چین در قالب نظم نوین تیان شیا مشاهده کرد؛ در حقیقت چین برای تبدیل خود به هژمونی منطقه و جهان درصدد گسترش قدرت نظامی خود است به‌گونه‌ای که انعکاس آن را می‌توان در ظهور جین با قدرت نظامی عظیم در آسیا و اقیانوسیه مشاهده کرد که در نهایت برتری آمریکا را با چالش مواجه خواهد کرد. علاوه بر آن مشارکت‌های استراتژیک در حال ظهور در قالب معادله استراتژیک چین با کشورهای شرق معادله استراتژیک آمریکا در حاشیه غربی اقیانوس آرام را پیچیده و با چالش مواجه ساخته است. از سویی دیگر نگرانی هند از عواملی همچون ذخایر فزاینده تسلیحات هسته‌ای و توان نظامی چین و تعمیق پیوند استراتژیک چین و پاکستان سبب گشته تا این کشور به دامان آمریکا گام بردارد (Ejaz, 2012: 124,125,127). هند، نظم بین‌الملل چینی را تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای قلمداد کرده و درصدد گام موافق و همسویی با نظم لیبرال آمریکایی است؛ از این رو در سال‌های اخیر شاهد پیوستن هند به اتحادها و شبه اتحادهای آمریکا در منطقه هندو-پاسفیک هستیم که نشان از وزنه سنگین نظم لیبرال آمریکایی در برابر نظم نوین چینی است؛ اما باوجود این قدرت‌یابی و استراتژی‌های پکن، دولت واشنگتن را در به‌کارگیری استراتژی احواله مسئولیت توسط دولت دهلی‌نو ترغیب کرده است.



۶. هند در استراتژی احاله مسئولیت آمریکا در جهت مهار چین در آسیا

کشور هند به سبب دارا بودن مؤلفه‌های قدرت از جمله، وسعت سرزمینی، جمعیت بسیار، نیروی انسانی فراوان، رشد اقتصادی بالا، توسعه فناوری و تکنولوژی، موقعیت ژئوپلیتیک مناسب درحوزه هندو-پاسیفیک در کنار سیستم دموکراسی و رویکردهای لیبرال مآبانه، داشتن مرزهای گسترده با چین و اختلافات مرزی و سیاسی با این کشور گزینه اصلی سیاست خارجی آمریکا در جهت رقابت و مهار چین است. در حال حاضر هند به یک بازیگر اصلی در امور جهانی مبدل گشته و در تقاطع چالش‌ها و روندهای نوظهور نظام بین‌الملل که با بازیگری آمریکا و چین در حال شکل‌گیری است؛ به نقش‌آفرینی مؤثر در منطقه هندو-پاسیفیک می‌پردازد.

۱-۶. همکاری‌های تجاری-اقتصادی هند و آمریکا

آمریکا از ابزارها و رویکردهای متعدد و متنوعی در جهت جلب حمایت و همکاری دهلی‌نو برای مهار قدرت چین در منطقه هندو-پاسیفیک استفاده می‌کند که تبلور این اقدامات را می‌توان ناشی از استراتژی احاله مسئولیت دولت واشنگتن دانست. بنابراین آمریکا با استفاده از استراتژی اقتصادی در قالب افزایش تجارت دوجانبه، سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌های چندملیتی درصدد به‌کارگیری ابزارها و رویکردهای مؤثر در جهت نیل به اهداف بلندمدت موردنظر و افزایش قدرت و نفوذ خویش و در نقطه مقابل مهار نفوذ دولت پکن در منطقه استراتژیک هندو-پاسیفیک با بهره‌گیری از گفتمان اقتصادی در هند می‌باشد.

سرمایه‌گذاری‌های هند و آمریکا

روابط اقتصادی-تجاری دوجانبه و از سویی نقش و جایگاه هند در نهادهای تجاری بین‌المللی را می‌توان یکی از ستون‌های اصلی دوستی نسبتاً نوین قدرت‌های بزرگ نشان داد (1: Congressional Research Service, 2014). ازاین‌رو دولت واشنگتن با به‌کارگیری رویکرد اقتصادی-تجاری میزان سرمایه‌گذاری‌های خود در هند را ۵۴٪ نسبت به سال ۲۰۱۰ افزایش داده است؛ به‌گونه‌ای که از ۲۴.۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۴۵.۴۵ در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت (Statista (b), 2021) و امروزه آمریکا سومین سرمایه‌گذار بزرگ در هند است (Invest India, 2022).

نمودار ۱- سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در هند از ۲۰۲۱-۲۰۱۰



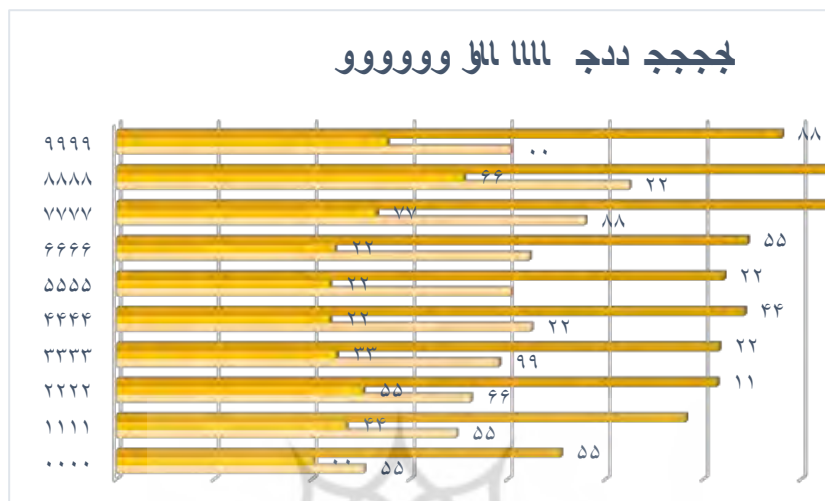
منبع گردآوری شده توسط نویسندگان از: Statista (b), (2021)

دولت واشنگتن در جهت افزایش سرمایه‌گذاری‌های خود در هند از یک‌سو و از سوی دیگر تسهیل روند سرمایه‌گذاری و از بین رفتن موانع در این زمینه درصدد انعقاد موافقت‌نامه‌ای به نام «توافقنامه دوجانبه ترویج سرمایه‌گذاری»^۱ با هند برآمد. این توافق‌نامه سبب کاهش عدم قطعیت‌ها و تسهیل جریان‌های سرمایه‌گذاری می‌شود، به‌ویژه اگر با اقدامات اصلاحی برای باز کردن بیشتر بازار هند همراه باشد (Congressional Research Service, 2014: 7).

تجارت دوجانبه هند و آمریکا

آمریکا با بهره‌گیری از روش‌های متنوع درصدد جلب حمایت دولت دهلی نو به‌عنوان مهره‌ای اصلی و تأثیرگذار در منطقه هندو-پاسیفیک می‌باشد. یکی از روش‌های آمریکا در بعد اقتصادی علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم تجاری در هند، تجارت دوجانبه میان این دو کشور می‌باشد که به‌مانند طنابی مستحکم روابط سیاسی-امنیتی این دو کشور را حفظ و هند و آمریکا را بیش از گذشته به یکدیگر نزدیک کرده است؛ به‌گونه‌ای که بر اساس داده‌های تجاری هند و آمریکا، جریان تجارت کالای دوجانبه بین هند و آمریکا در پنج سال گذشته به‌سرعت رشد کرده است.

^۱Bilateral investment promotion agreement (BIPA)



منبع گردآوری شده توسط نویسندگان از: (Civildaily, 2020)

همکاری تجاری و اقتصادی بین آمریکا و هند جزء کلیدی روابط دوجانبه میان این دو کشور محسوب می‌شود، زیرا هند اکنون یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد در جهان است (India Brand Equity Foundation, 2022) و آمریکا بزرگ‌ترین اقتصاد جهان رادار است از این رو همان‌گونه که در نمودار فوق قابل مشاهده است؛ تجارت دوجانبه واشنگتن-دهلی نو در یک دهه اخیر افزایش قابل توجهی داشته؛ به گونه‌ای که از ۴۵.۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۸۷.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده که این نشان از افزایش ۹۳٪ تجارت دوجانبه این دو کشور دارد (Civildaily, 2020) اما روابط این دو کشور تا به بعد اقتصادی-تجاری محدود نمی‌گردد؛ بلکه در ادامه به بررسی ابعاد نظامی-امنیتی این دو کشور پرداخته می‌شود.

همکاری‌های حوزه امنیتی-نظامی هند و آمریکا

با توجه به فضای امنیتی حاکم در حوزه هندو-پاسیفیک و افزایش قدرت نظامی چین در این منطقه، حمایت آمریکا از دهلی نو و تعمیق همکاری‌های دفاعی و امنیتی دوجانبه با هند، یک ضرورت استراتژیک محسوب می‌شود. با وجود این روابط امنیتی این دو کشور در سال‌های اخیر با فراز و نشیب‌هایی به سبب ساختارهای بوروکراتیک مواجه بوده

است. با وجود آنکه هر یک از رؤسای جمهور آمریکا سیاست‌های متفاوتی را در قبال هند به اجرا گذاشته‌اند؛ اما آنچه در تمامی سیاست‌های به کار گرفته شده از سوی دولتمردان آمریکا به چشم می‌خورد؛ تلاش بی‌وقفه در جهت مهار چین با احاله مسئولیت به هند در قالب تقویت توافق‌نامه‌های دفاعی-امنیتی، ائتلاف‌های دریایی و... است.

موافقت‌نامه‌های نظامی - امنیتی

همکاری امنیتی بین هند و آمریکا یکی از ستون‌های اصلی روابط دوجانبه واشنگتن-دهلی نو است که باهدف افزایش روابط دفاعی دوجانبه به‌عنوان یک مانع احتمالی در برابر نفوذ فزاینده چین در آسیا تلقی می‌شود. بنابراین، سه موافقت‌نامه نظامی مهمی که میان دولت واشنگتن-دهلی نو به امضا رسید عبارت‌اند از؛ موافقت‌نامه امنیت عمومی اطلاعات نظامی^۱، توافق‌نامه همکاری بین نیروهای مسلح هند و آمریکا^۲، توافق‌نامه سازگاری و امنیت ارتباطات^۳، توافق‌نامه مبادله و همکاری اساسی^۴.

موافقت‌نامه امنیت عمومی اطلاعات نظامی

پیمانی کلیدی که توسط هند و آمریکا در سال ۲۰۰۲ امضا شد. این موافقت‌نامه اقدامات مؤثری برای اطمینان از استانداردهای امنیتی برای حفاظت از اطلاعات حیاتی به اشتراک گذاشته شده توسط آمریکا با هند ارائه می‌کند (The Economic Times, 2020).

توافق‌نامه همکاری بین نیروهای مسلح هند و آمریکا

این موافقت‌نامه در سال ۲۰۱۶ میان هند و آمریکا به امضا رسید. این توافق‌نامه به هر دو کشور امکان دسترسی به تأسیسات نظامی تعیین شده در هر دو طرف را به منظور سوخت‌گیری و تکمیل مجدد در چهار حوزه اصلی را می‌دهد (Civils360, 2020). همچنین به نظامیان آمریکا و هند اجازه می‌داد تا پایگاه‌های یکدیگر را تکمیل و از تأسیسات زمینی، پایگاه‌های هوایی و بنادر یکدیگر استفاده کنند و امکان دسترسی به تجهیزات، قطعات یدکی و خدمات را داشته باشند (Roy, 2020). از عناصر کلیدی این توافق‌نامه که سنگ بنای آن را شکل می‌دهد؛ اعتماد متقابل است؛ از این رو توافق‌نامه

¹ General Security of Military Information Agreement (GSOMIA)

² Deeping Cooperation Between Indian and US Armed Forces Agreement (LEMOA)

³ Communications Compatibility and Security Agreement (COMCASA)

⁴ Basic Exchange and Cooperation Agreement (BECA)



همکاری میان نیروهای مسلح هند و آمریکا سنگ بنا و یکی از ستون‌های اصلی روابط سیاسی این دو کشور محسوب می‌شود.

توافقنامه سازگاری و امنیت ارتباطات

در سال ۲۰۱۸ توافقنامه اساسی مهم دیگری به نام توافقنامه سازگاری و امنیت ارتباطات را منعقد کردند (Nisa, 2019: 50) در حقیقت این موافق نامه یکی از چهار توافقنامه اساسی است که آمریکا با متحدان و شرکای نزدیک خود در جهت تسهیل همکاری میان ارتش‌ها و فروش فناوری پیشرفته به امضا می‌رساند (Peri, 2018). امضای توافقنامه «سازگاری و امنیت ارتباطات» راه را در جهت انتقال تجهیزات امنیتی ارتباطی از آمریکا به هند برای تسهیل «عملکرد متقابل» بین نیروهای این دو کشور هموار ساخته است (Roy, 2020).

توافقنامه مبادله و همکاری اساسی

هند و آمریکا در سال ۲۰۲۰، توافقنامه مذکور را امضا کردند. این توافقنامه باهدف کمک به هند در جهت دستیابی به اطلاعات جغرافیایی آمریکا و همچنین باهدف افزایش دقت سیستم‌ها و سلاح‌های خودکار مانند موشک‌ها و پهپاد های مسلح میان آمریکا و هند به امضا رسید (Peoples Democracy, 2020). در نهایت، به‌طور کلی این قبیل قراردادهای دوجانبه نظامی-دفاعی که در دههٔ اخیر میان واشنگتن و دهلی‌نو منعقد شده همانند توافقنامه‌هایی است که آمریکا با ناتو و سایر متحدان و شرکای نزدیک بین‌المللی منعقد می‌کند. در حقیقت این توافقنامه‌ها، آمریکا را قادر می‌سازد تا با فروش پلتفرم‌های نظامی و اشتراک امکانات نظامی؛ همکاری و عملیات مشترک خود با متحدانش را ارتقا دهد. بنابراین، این نشان از استراتژی مؤثر دولت واشنگتن برای نزدیکی بیش از پیش به دولت دهلی‌نو است تا این کشور را به مهره اصلی خود در منطقه هندو-پاسیفیک مبدل سازد تا به اهداف خود از جمله منزوی ساختن دولت پکن در این منطقه دست یابد.

ائتلاف‌های اقتصادی-تجاری و نظامی-امنیتی (فناوری دفاعی و ابتکار تجارت)^۱

تعامل در سطح بالا در ابتکار تجارت دفاعی و فناوری دوجانبه یک اولویت برتر برای برنامه‌ریزان دفاعی آمریکا است (Congressional Research Service, 2014: 9). وزارت

^۱ Defence Technology and Trade Initiative (DTTI)

دفاع آمریکا در سال ۲۰۱۲، مکانیزمی را برای غلبه بر یا کاهش موانع موجود در مسیر همکاری‌های نظامی-امنیتی با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی-تجاری ایجاد کرد (Department of Defense, 2017). این ابتکار دستاوردهای مهم و تأثیرگذاری را بر روابط دوجانبه دولت واشنگتن-دهلی نو بر جای گذاشت که عبارت‌اند از: ۱- ابتکار فناوری دفاعی و ابتکار تجارت به آمریکا و هند کمک می‌کند تا روابط دفاعی دوجانبه را به تعمیق روابط بلندمدت مبدل ساخته تا تصمیمات استراتژیک مستقل اتخاذ و موانع احتمالی بوروکراتیک یا رویه‌های ناکارآمد را از بین ببرند. ۲- کشور هند با کمک ابتکار فناوری دفاعی و ابتکار تجارت می‌تواند پایگاه صنعتی دفاعی خود را تقویت کند. ۳- زمینه‌های جدیدی از همکاری‌های فناورانه از طریق توسعه و تولید مشترک همکاری دو کشور شکل خواهد گرفت (IAS Parliament, 2017). همچنین این ابتکار دارای اهمیت و دستاوردهای مهمی است که شامل امضای قرارداد «انجمن همکاری صنعت» و «رویه عملیاتی استاندارد» می‌باشد (U.S. Department of Defense, 2019) در نهایت این فناوری دفاعی و ابتکار تجارت به آمریکا و هند کمک می‌کند تا روابط تجاری خود را نیز باهم گسترش دهند. علاوه بر این ابتکار؛ استراتژی‌ها و رویکردهای متنوعی توسط دولت واشنگتن اعمال گشت که در ادامه به مهم‌ترین ابتکارات و اقدامات اشاره می‌شود.

ائتلاف‌های دریایی

ائتلاف‌های دریایی یکی از مهم‌ترین ستون‌های همکاری امنیتی-نظامی هند و آمریکا در حوزه هندو-پاسیفیک قلمداد می‌شود؛ بنابراین از زمان امضای بیانیه چشم‌انداز راهبردی مشترک آمریکا و هند در سال ۲۰۱۵، تأکید آمریکا-هند بر توسعه روابط دریایی نزدیک‌تر، با تلاش‌های هماهنگ برای گسترش تعامل و همکاری با مانورهای دریایی بوده که به‌عنوان مثال می‌توان به ائتلاف مالابار یکی از مهم‌ترین ائتلاف‌های دریایی اشاره کرد. مشارکت کشورهای چهارگانه هند، آمریکا و ژاپن (همه اعضای دائمی) و استرالیا در ائتلاف مالابار^۳ (Singh, 2021) در قالب تمرینات دوجانبه، سه‌جانبه و یا چندجانبه با

¹ Industry Collaboration Forum Agreement

² DTTI Standard Operating Procedure (SOP)

³ Malabar

یکدیگر باهدف گسترش قابلیت‌های یکپارچه به‌ویژه در حوزه ائتلاف دریایی به همکاری با یکدیگر می‌پردازند (Congressional Research Services, 2022).

به‌طورکلی، این ائتلاف‌های دریایی در تقابل مستقیم با فعالیت‌های چین در منطقه قرار دارد و هند نیز با حضور در ائتلاف‌های دریایی و اتخاذ تدابیر نوین؛ حمایت کامل از ابتکار مقابله با چین را نشان داده است. از جمله ابتکارات دولت دهلی‌نو می‌توان به «پنج اصل برای امنیت جهانی دریایی»^۱ و «دکترین امنیت و رشد برای همه در منطقه» اشاره کرد. اگرچه اهداف و همکاری‌های متقابل بین هند و آمریکا را عمدتاً می‌توان در جنبه‌های دفاعی و امنیتی ظهور مشاهده کرد؛ اما با اهمیت یافتن امنیت چهارگانه و دریایی در منطقه، رهبران دو کشور بر اهمیت ایجاد مشارکت‌های استراتژیک و همکاری با سایر گروه‌ها در حوزه آبی تأکید کردند (Mohan, 2022).

همچنین می‌توان به مشارکت استراتژیک آمریکا و هند در حوزه آبی در قالب «شبکه نقطه آبی»^۲ اشاره داشت. این ابتکار از اهمیت وافری برای این کشور برخوردار است؛ زیرا دهلی‌نو را قادر می‌سازد تا استراتژی «سیاست شرق عمل کن» خود را پیش برد و برای هند این ابتکار جرقه‌ای آغازین در جهت افزایش مبادلات جدید با همسایگان به وجود آورده است (OBOReuropa, 2020). هند و آمریکا در کنار تهیه فناوری و تجهیزات، توانایی‌های خود را از طریق مانورهای نظامی به‌ویژه مانورها و عملیات دریایی افزایش داده‌اند، به‌طوری‌که هند میزبان بیشترین تعداد رزمایش‌های نظامی با آمریکا در میان همه متحدان خود در منطقه است.

کوآد^۳

در کنار معاهدات و همکاری‌های دوجانبه میان هند و آمریکا، توجه به ائتلاف‌های چندجانبه میان دو کشور با سایر متحدان در منطقه نیز حائز توجه است. این ائتلاف‌ها بار احاله مسئولیت واشنگتن به دهلی‌نو در منطقه را تا حدی تقسیم می‌کند. یکی از مهم‌ترین ائتلاف‌های منطقه، ائتلاف کوآد است. با تلاش‌های آمریکا در سال ۲۰۱۷، چهار کشور قدرتمند هندو-پاسیفیک (استرالیا، هند، ژاپن و آمریکا) در برابر خیزش

^۱ Five principles for global maritime security

^۲ Blue dot network

^۳ Quad

چین احیای کوآد را آغاز کردند و تعهد خود را به هند و اقیانوس آرام آزاد و باز، نظم مبتنی بر قوانین و اقدام مشترک علیه چین بیان و سازوکارهای دوجانبه و سه‌جانبه و جلسات رسمی منظم در این زمینه برای رسیدن به اهداف خود را فراهم کردند. اما نقطه اوج این ابتکار در سال ۲۰۲۰ با درگیری‌ها بین نیروهای چینی و هندی بر سر بخش مورد مناقشه مرزی، شتاب جدیدی گرفت و به دهلی‌نو که به‌طور سنتی بازیگری غیرم تعهد بود، انگیزه‌ای برای همکاری بیشتر و نقش‌آفرینی در این ائتلاف را داد (Luthra, 2021: 3).

هدف این ائتلاف، حفظ نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین لیبرال است که چین به دنبال تضعیف آن از طریق چالش تجدیدنظرطلبانه وضعیت موجود است. گفتگوی چهارجانبه امنیتی میان آمریکا، ژاپن، هند و استرالیا، به‌عنوان پاسخ هماهنگ دموکراسی‌ها به قاطعیت فزاینده چین اقتدارگرا در اقیانوس هند و اقیانوس آرام احیاشده است (D'Ambrogio, 2021: 2). بنابراین، هند به‌عنوان تنها عضو چهارگانه با مرز زمینی مورد مناقشه با چین در صدد محدود کردن استراتژی‌های قهری و توسعه‌طلبی دولت پکن است. هند بر این باور است که مشارکت‌های کوچک، اعم از دوجانبه، سه‌جانبه، چهارجانبه یا بیشتر، می‌تواند بر محیط فعلی تأثیر مثبت بگذارد. از همین رو، مشارکت استراتژیک هند با سایر اعضای کوآد به‌ویژه آمریکا در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی عمیق‌تر شده است. همچنین دولت واشنگتن با توجه به اختلافات چین و هند و از دهلی‌نو به‌عنوان مهم‌ترین وزنه کوآد، برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند.

معاملات اسلحه هند و آمریکا

دولت واشنگتن، برای تقویت نیروی امنیتی و دفاعی هند به‌ویژه در دهه اخیر تلاش کرده تا فروش تسلیحات خود به هند را افزایش دهد. کاخ سفید برای تبدیل شدن به یک صادرکننده پیشرو سخت‌افزار نظامی به هند، به‌ویژه تسلیحات پیشرفته، طی سالیان متمادی تلاش کرده؛ به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۱ آمریکا ۱۰.۳۷۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به هند فروخته و این روند افزایشی به قوت خود همچنان باقی است (Forum on the Arms Trade, 2022). درنهایت می‌توان بیان داشت که آمریکا با بهره‌گیری از استراتژی‌های متنوع در ابعاد اقتصادی و نظامی در قالب سرمایه‌گذاری،



گسترش تجارت دوجانبه، افزایش حضور شرکت‌های فراملی و زمینه‌سازی مناسب در جهت گسترش فعالیت‌ها و معاملات اقتصادی و تجاری و از سویی ایجاد ائتلاف‌های دو یا چندجانبه، ائتلاف‌های دریایی، تقویت نیروهای امنیتی و دفاعی هند و ایجاد پایگاه‌های نظامی در زمینه نظامی-امنیتی درصدد آن است تا رویکرد سیاست خارجی خود را در قبال منطقه هندو-پاسفیک در قالب واگذاری مسئولیت به هند در جهت مهار و کنترل چین در این منطقه استفاده کنند. از این رو به نظر می‌رسد که دولت واشنگتن با بهره‌گیری از استراتژی‌ها و رویکردهای مناسب توانسته است گام‌های مؤثری را در این منطقه در جهت بهره‌گیری از هند بردارد. در نقطه مقابل نیز دولت پکن در جهت مقابله با رویکرد و استراتژی‌های دولت واشنگتن در منطقه هندو-پاسفیک؛ رویکردهای نوینی را اتخاذ کرده که در ادامه به بررسی این رویکردها پرداخته می‌شود.

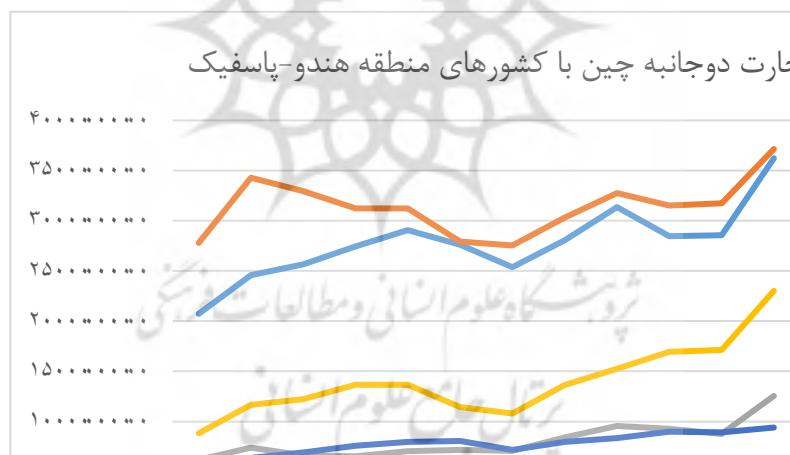
۷. پاسخ چین

اقدامات و تدابیر چین در قبال استراتژی موازنه مجدد آمریکا در آسیا، برای به‌کارگیری احاله مسئولیت؛ واکنش‌های متقابلی را از سوی دولت پکن به دنبال داشت؛ از جمله تدابیر پکن می‌توان به دیپلماسی فعال این کشور در منطقه هندو-پاسفیک اشاره داشت که باهدف تعمیق و گسترش روابط دوستانه با کشورها آغاز شد تا فرصت بهره‌گیری دولت واشنگتن از شکاف‌های موجود در روابط دوجانبه یا چندجانبه چین با کشورهای منطقه را سلب کند.

از این رو در سال ۲۰۱۳ چین اولین کنفرانس خود در زمینه دیپلماسی را بر اساس ضرورت تلاش در جهت دستیابی به دیپلماسی پیرامونی به‌منظور تضمین محیط منطقه‌ای مطلوب برای رشد و توسعه دولت پکن در قبال کشورهای منطقه اجرایی ساخت که در حقیقت این اقدام انعکاسی از ضرورت دنبال‌سازی سیاست فعالانه در قبال کشورهای هندو-پاسفیک به سبب استراتژی دولت واشنگتن در این منطقه است. بنابراین چین از منظر دیپلماسی پیرامونی، یک رویکرد دوجانبه را در جهت مقابله با چالش‌های موازنه مجدد آمریکا در سیاست خارجی منطقه‌ای خود در پیش گرفته که در دو بعد امنیتی-نظامی، اقتصادی-تجاری تبلور می‌یابد (Zhang, 2016: 51-52). چین از استراتژی نوینی در منطقه هندو-پاسفیک در جهت افزایش جایگاه و نفوذ خود در منطقه بهره می‌گیرد که

به نظر می‌رسد در قالب قدرت هوشمند فعال می‌توان سیاست منطقه‌ای دولت پکن را ارزیابی کرد. از این رو، دولت پکن از استراتژی‌ها و رویکردهای متنوعی بهره گرفته است؛ از جمله آن می‌توان به «بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی»^۱ اشاره داشت که در حقیقت یکی از مهم‌ترین مراکز دیپلماسی اقتصادی چین محسوب می‌شود؛ همچنین دولت پکن «بانک توسعه ملی»^۲ را به موازات اعلام استراتژی موازنه مجدد آمریکا راه‌اندازی کرد. بنابراین، ابتکارات در قالب بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و بانک توسعه ملی برای ارتقای اتصال و یکپارچگی دولت پکن اعلام شد (Asif, Adnan and Ullah, 2019: 250). چین علاوه بر ساخت مراکز اقتصادی در کشورهای حوزه هندو-پاسفیک، سرمایه‌گذاری و تجارت دوجانبه خود را افزایش داده که می‌توان پاسخی در برابر عملکرد دولت واشنگتن و تقویت سیاست دوجانبه واشنگتن-دهلی نو مشاهده کرد تا شکافی برای بهره‌برداری دولت واشنگتن در جهت افزایش دخالت و تنزل قدرت منطقه‌ای چین وجود نداشته باشد.

نمودار ۳- تجارت دوجانبه چین با کشورهای منطقه هند-پاسفیک ۲۰۲۱-۲۰۱۰



منبع گردآوری شده توسط نویسندگان از: Trade Map-International Trade Statistics, 2022 (a), (b), (c), (d), (e)

نمودار فوق به روشنی گسترش معاملات تجاری-اقتصادی با کشورهای منطقه هندو-پاسفیک به ویژه کشورهایی با رشد و توسعه اقتصادی بالا از جمله کره جنوبی، ژاپن،

¹ Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

² National Development Bank (NDB)



استرالیا و سنگاپور را به وضوح نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۳ و به موازات اعلام به‌کارگیری استراتژی دیپلماسی فعال در منطقه، همواره سیر صعودی را تجربه کرده؛ با وجود آنکه دولت پکن همواره در تلاش بوده تا روابط تجاری-اقتصادی خویش را با دولت دهلی نو مستحکم سازد اما وجود سلسله بحران‌های موجود میان این دو کشور و تغییر توازن قوا میان هند و چین سبب ایجاد عدم تعادل در روابط این دو کشور شده است. لیکن این بحران تنها محدود به مسائل مرزی نیست بلکه ریشه عمیقی در منافع متضاد اقتصادی-تجاری در جنوب شرق آسیا و منطقه اقیانوس هند دارد. بنابراین با وجود به‌کارگیری استراتژی دیپلماسی فعال چین در منطقه هندو-پاسفیک اما شکاف‌های موجود در روابط دهلی نو-پکن سبب گشته تا دولت واشنگتن از این شکاف موجود در جهت جذب هند بهره‌گیرد تا به اهداف خود مبنی بر افزایش نفوذ و تضعیف جایگاه خود با به‌کارگیری رویکرد و استراتژی احاله مسئولیت استفاده کند.

نتیجه‌گیری

لزوم توجه به شکل‌گیری مثلث‌های استراتژیک در نظام بین‌الملل، موضوعی مهم و درعین‌حال مغفول مانده در تحلیل روابط میان کشورها است. مقاله حاضر به بررسی یکی از مهم‌ترین مثلث‌های استراتژیک، در منطقه هندو-پاسفیک با بازیگری آمریکا، چین و هند می‌پردازد. این پژوهش با بهره‌گیری از مفهوم استراتژی احاله مسئولیت جان مرشایمر، چرخش قدرت آمریکا به سوی هندو-پاسفیک و افزایش همگرایی با هند را ناشی از خیزش چین و به خطر افتادن برتری قدرت آمریکا در منطقه ارزیابی می‌کند. این نوشتار استدلال می‌کند که تأکید آمریکا بر نقش هند در آسیا و اقیانوسیه نتیجه سیاست چرخش به شرق واشنگتن در جهت مهار چین است که به دهلی نو به‌عنوان وزنه‌ای مهم در جهت ایجاد تعادل منطقه‌ای در برابر نفوذ رو به رشد پکن ارزش می‌دهد. به بیان دیگر کاخ سفید سعی دارد به جای رویارویی مستقیم با چین از طریق رقبا این کشور در منطقه، قدرت روزافزون پکن را با بهره‌گیری از احاله مسئولیت به شرکای خود در هندو-پاسفیک منتقل سازد و از این راهبرد در جهت کنترل قدرت چین استفاده نماید. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دهلی نو از یک طرف و همچنین رقابت و اختلافات مرزی این کشور با چین، هند جایگاه ویژه‌ای را در سیاست

چرخش به شرق آسیا آمریکا پیدا کرده است. از همین رو به منظور جذب هند به عنوان یک رقیب منطقه‌ای برای چین، واشنگتن عزم خود را برای ارتقاء وجهه استراتژیک هند و همین‌طور ظهور این کشور به عنوان یک قدرت و رقیب ژئوپلیتیکی در برابر چین در آسیا و اقیانوسیه ابراز کرده است. این پژوهش با نشان دادن چگونگی پیشرفت روابط هند و آمریکا در زمان روسای جمهور مختلف و با وجود سبک‌های بسیار متفاوت رهبری آنان تحلیل می‌کند که الگوی کلی روابط استراتژیک هند و آمریکا در هزاره جدید به‌هیچ‌وجه تغییر نکرده و در جهت تزیاید هم‌بستگی و وابستگی حرکت کرده است. آنچه در تمامی سیاست‌های به‌کار گرفته‌شده از سوی دولت‌مردان آمریکا به چشم می‌خورد؛ تلاش بی‌وقفه در جهت مهار چین از طریق توجه به سایر شرکای منطقه‌ای از جمله هند در قالب تقویت ابعاد نظامی و اقتصادی است که تبلور آن را می‌توان در شرکت در فعالیت‌های چندجانبه و فعالیت‌های دریایی، اجرای عملیات در دریای جنوبی چین، برگزاری مانورهای نظامی مشترک و پی‌درپی، افزایش قراردادهای دوجانبه نظامی و تجاری، فروش تسلیحات و سرمایه‌گذاری خارجی مشاهده کرد. این‌ها از جمله سیاست‌های واشنگتن برای افزایش قدرت دهلی‌نو در برابر پکن در جهت پیاده‌سازی احواله مسئولیت در منطقه هندو-پاسیفیک است. در نهایت به‌عنوان دستاورد این پژوهش می‌توان بیان کرد که معناشناسی و شناخت چهارچوب سیاست‌های آمریکا حوزه آسیا به سایر کشورهای این قاره از جمله ایران کمک خواهد کرد تا با شناخت دقیق رقبا و هم‌پیمانان این کشور در منطقه سیاست‌های خود را در جهت بهره‌مندی از رقابت‌های شکل‌گرفته در این حوزه تدوین نمایند.

سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، «دولت مجازی یا واقع‌گرایی تهاجمی؛ بررسی مقایسه‌ای نظریه ریچارد روزکرنس و جان میرشایمر»، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۹-۴۲.

Asif, Muhammad Imran, Yousaf, Abida and Ullah, Inam (2019), "USA's Pivot to Asia and China's Global Rebalancing through BRI", *Pakistan Social Sciences Review*, 3(2), 241-253.

Bolt, Paul (2015), "US, Chinese, and Russian Perspectives on the Global Order", *United States Air Force Academy*, 1-29.

Brewster, David (2018), "India and China at sea: competition for Naval Dominance in the Indian Ocean", *SADF Comment*, 1-6.

Christensen, Thomas J. and Snyder, Jack (2009), "Chain gangs and passed bucks: predicting alliance patterns in multipolarity", *International Organization*, 137-168.

Civils360 (22/08/2020), "LEMOA- Logistics Exchange Memorandum of Agreement", Date of extraction: 19/7/2022, Available at: [LEMOA- Logistics Exchange Memorandum of Agreement | Civils360 IAS](#).

Civildaily (20/2/2020), "Why trade with the US matters to India?" *Civils daily*, Date of extraction: 20/7/2022, Available at: <https://www.civildaily.com/news/why-trade-with-the-us-matters-to-india>.

Congressional Research Services (2022), "The Quad: Security Cooperation Among the United States, Japan, and Australia", 1-3.

Congressional Research Service (2014), "India-U.S. Economic Relations: In Brief", 1-12.

D'Ambrogio, Enrico (2021), "The Quad: An emerging multilateral security framework of democracies in the Indo Pacific region", *European Parliament*, 1-12.

Department of defense United States of America (2012), "Global Leadership: Priorities for 21st Century Defense", *White house*.

Department of Defense (2017), "US | India Defense Technology and Trade Initiative (DTTI)", Date of extraction: 21/7/2022, Available at: <https://www.acq.osd.mil/ic/dtti.html>.

Ejaz, Ahmad (2012), "United States - India Relations: An expanding strategic partnership", *Pakistan Vision*, 13(1), 116-186.

Forum on the Arms Trade (2022), "U.S Arms Sales to India", Date of extraction: 21/7/2022, Available at: <https://www.forumarmstrade.org/usindia.html>.

Ghosh, Ambar Kumar, Sarkar, Debosmita and Chaudhury, Anasua Basu Ray (2022), "Security, Economy, and Ecology: Setting Priorities for Cooperation in the Indo-Pacific", *ORF*, 1-20.

- Hanif, Sobia and Khan, Muhammad (2018), "US Security Strategy for Asia Pacific and India's Role", Strategic Studies, 1-20.
- IAS Parliament (28/1/2017), "India-US: Defense Technology and Trade Initiative", Date of extraction: 18/7/2022, Available at: <https://www.iasparliament.com/blogs/pdf/india-us-defence-technology-and-trade-initiative>.
- India Brand Equity Foundation (2022), "About Indian Economy Growth Rate & Statistics", Date of extraction: 18/7/2022, Available at: <https://www.ibef.org/economy/indian-economy-overview>.
- Invest India (2022), "US - INDIA RELATIONS", Date of extraction: 20/7/2022, Available at: [American Investments in India | Companies & Business Opportunities \(investindia.gov.in\)](https://www.investindia.gov.in/companies-and-business-opportunities).
- Kearn, David (2014), "Toward Alliance or Ambivalence: A Theoretical Assessment of U.S.-India Relations", India Review, 129-148.
- Ladwig, Walter and Mukherjee, Anit (2019), "India and the United States: The Contours of an Asian Partnership", Asia policy, 14(1), 3-18.
- Luthra, Girish (2021), "The Indo-Pacific Quest for the Quad's Spirit", ORF, 3-20.
- Macrotrends (2022), "China GDP 1960-2022", Date of extraction: 22/7/2022, Available at: <https://www.macrotrends.net/countries/CHN/china/gdp-gross-domestic-product>.
- Malik, Mohan (2016), "Balancing act: The China-India-U.S. Triangle", World Affairs, 46-57.
- Manyin, Mark E, Daggett, Stephen, Dolven, Ben, Lawrence, Susan V, Martin, Michael F, O'Rourke, Ronald and Vaughn, Bruce (2012), "Pivot to the Pacific? The Obama Administration's Rebalancing Toward Asia", Congressional Research Service, 1-29.
- Mearsheimer, John (2001), The Tragedy of Great Power Politics, New York: W. W, NORTON & COMPANY.
- Mohan, Virain (1/8/ 2022), "Reenergizing Indian Security in the Indian Ocean Region: Analyzing the Security Problem through Bilateral and Multilateral Arrangements", Journal of Indo-Pacific Affairs, Date of extraction: 16/7/2022, Available: [Reenergizing Indian Security in the Indian Ocean Region: Analyzing the Security Problem through Bilateral and Multilateral Arrangements > Air University \(AU\) > Journal of Indo-Pacific Affairs Article Display](https://www.airuniversity.edu.au/journal-of-indo-pacific-affairs/article-display/reenergizing-indian-security-in-the-indian-ocean-region-analyzing-the-security-problem-through-bilateral-and-multilateral-arrangements).
- Monica Oehler-Sincai, Iulia (2016), "UNITED STATES' "Pivot " Towards Asia-Pacific: Rationale, Goals and Implications for The Relationship with China", Knowledge Horizons – Economics, 8(1), 25-31.
- Nikkei Asia (18/7/2021), "Full text of Xi Jinping's speech on the CCP's 100th anniversary", Date of extraction: 20/11/2022, Available at: [Full text of Xi Jinping's speech on the CCP's 100th anniversary – Nikkei Asia](https://asia.nikkei.com/News/China/Full-text-of-Xi-Jinping-s-speech-on-the-CCP-s-100th-anniversary).
- Nisa, Waqar-un (2019), "Indo-US Naval Cooperation: Geo-Strategic Ramifications for the Region", Policy Perspectives, 16(1), 41-59.

- OBOReurope (29/2/ 2020), “The “Blue Dot Network” and India”, Date of extraction: 25/7/2022, Available at: [The “Blue Dot Network” and India - OBOReurope](#).
- Paul, Joshy (2019), “US and India: Emerging offshore balancing in Asia”, *India Review*, 18(3), 221-242.
- Panda, Ankit (9/9/2018), “What the Recently Concluded US-India COMCASA Means”, *The Diplomat*, Date of extraction: 25/7/2022, Available at: [What the Recently Concluded US-India COMCASA Means The Diplomat](#).
- Peoples Democracy (8/11/2020), “India Signs BECA: Sealing the US-India Military Alliance”, Date of extraction: 25/7/2022, Available at: [India Signs BECA: Sealing the US-India Military Alliance | Peoples Democracy](#).
- Peri, Dinakar (6/9/2018), “What is COMCASA?”, *The Hindu*, Date of extraction: 25/7/2022, Available at: [What is COMCASA? - The Hindu](#).
- Roy, Shubhajit (3/11/2020), “Explained: BECA, and the importance of 3 foundational pacts of India-US defence cooperation”, *The Indian Express*, Date of extraction: 25/7/2022, Available at: [Explained: BECA, and the importance of 3 foundational pacts of India-US defence cooperation | Explained News, The Indian Express](#).
- Singh, Abhijit (11/5/2021), “The U.S. Navy In The Indian Ocean: India’s ‘Goldilocks’ Dilemma” War on Rocks, Date of extraction: 24/7/2022, Available at: [The U.S. Navy in the Indian Ocean: India’s ‘Goldilocks’ Dilemma - War on the Rocks](#).
- Sin Por, Shiu (2020), “Tianxia: China’s Concept of International Order”, *Global Asia*, Date of extraction: 21/11/2022, Available at: [Tianxia: China’s Concept of International Order > Articles | \(globalasia.org\)](#).
- Snyder, Glenn H (2002), “Mearsheimer’s World— Offensive Realism and the Struggle for Security (A Review Essay)”, *International Security*, 27(1), 149,173.
- Solis, Mireya (24/3/2017), “Trump withdrawing from the Trans-Pacific Partnership” *Brookings*, Date of extraction: 22/7/2022, Available at: [Trump withdrawing from the Trans-Pacific Partnership \(brookings.edu\)](#).
- Statista (2021), (a), “Estimated expenditure on the military in China in current prices from 1990 to 2021”, Date of extraction: 22/7/2022, Available at: <https://www.statista.com/statistics/267035/china-military-spending/>.
- Statista (2021), (b), “Direct investment position of the United States in India from 2000 to 2021”, Date of extraction: 22/7/2022, Available at: <https://www.statista.com/statistics/188633/united-states-direct-investments-in-india-since-2000>.
- The Economic Times (5/1/2012), “US investing in long-term strategic partnership with India”, Date of extraction: 20/7/2022, Available at:

<https://economictimes.indiatimes.com/news/politics-and-nation/us-investing-in-long-term-strategic-partnership-with-india/articleshow/11379716.cms?from=mdr>.

The Economic Times (27/10/2020), “India, US ink strategic defence pact; Mike Pompeo slams Chinese Communist Party”, Date of extraction: 25/7/2022 Available at:

<https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/india-united-states-ink-strategic-defence-pact-during-third-edition-of-the-22-dialogue/articleshow/78890554.cms?from=mdr>.

Trade Map-International Trade Statistics (2022), (a), Date of extraction: 22/7/2022, Available at: [Trade Map Bilateral trade between China and Korea, Republic of](#).

Trade Map-International Trade Statistics (2022), (b), Date of extraction: 22/7/2022, Available at: [Trade Map Bilateral trade between China and Japan](#).

Trade Map-International Trade Statistics (2022), (c), Date of extraction: 22/7/2022, Available at: [Trade Map Bilateral trade between China and Singapore](#).

Trade Map-International Trade Statistics (2022), (d), Date of extraction: 22/7/2022, Available at: [Trade Map Bilateral trade between China and Australia](#).

Trade Map-International Trade Statistics (2022), (e), Date of extraction: 22/7/2022, Available at: [Trade Map Bilateral trade between China and India](#).

The White House (2022), “Indo-Pacific Strategy of The United States”, Washington DC: Executive Office of The President National Security Council, 4-18.

U.S. Department of Defense (19/12/2019), “U.S. and India Deepen Bilateral Defense Trade, Sign Two Defense Technology and Trade Initiative Agreements”, Date of extraction: 20/7/2022, Available at: <https://www.defense.gov/News/Releases/Release/Article/2044183/us-and-india-deepen-bilateral-defense-trade-sign-two-defense-technology-and-tra/>.

Vaughn, Bruce (2007) “U.S. Strategic and Defense Relationship in the Asia-Pacific Region”, Congressional Research Service, 1-34.

Zhang, Feng (2016), “Challenge Accepted: China’s Response to the US Rebalance to the Asia-Pacific”, Security Challenges, 12(3), 45-60.